

۱۰ فرهنگ ادبیات وهنر جاهج

یادداشت

قهرمان‌کشی در عصر آرمان‌گرایی

می‌ترسم‌بعد‌افسانه شوند،درغیاب‌بزرگ‌چیزی به نام «تصویر»؛ در روزگار سرعت‌گرفتن‌تصاویر تراکم‌یافته، آنچه امروز خروجی‌رسانه‌ای، تلویزیونی و سینمایی‌ما از «فاطمیون» -این آرمان‌گرایان جدید عصر ماست- چیزی جز تصاویر معوج، بیهوده و عوامانه نیست. درست چیزی درحدود۳۰سال‌پیش‌مشابه‌همین‌اتفاق‌برایمان رخ داد. قهرمانان افغانستانی، بی‌صبرانه از درون مرزهای‌ایران‌وازپیرون‌آن‌راهی‌مسیریاری‌بزرگ‌ترین آرمان انسانی قرن شدند؛ ۸سال‌دفاع‌مقدس-افغانستان‌های چیزی حدود ۲۰۰۰جان‌پاک، قربانی این آرمان بزرگ به‌ظاهر ایرانی کردند و امروز با گذشت۳۰سال از دوران نبرد، هیچ نام و نشانی از شهدا و جانبازان و رزمندگان افغانستانی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی، حکومتی و روشنفکرانه نیست. چیزی‌قرب‌به‌اکثریت‌مطلق رزистه‌گان در مرزهای سرزمینی ایران از اتفاقی که بغل گوششان رخ داده است، خبری ندارند. این اتفاق عجیبی نیست. اگر در نظر بگیریم که کل تصویری‌که‌سینمای‌عریض‌وطویل‌ایرانی‌ازمهاجران افغانستانی‌نشان‌داده‌در‌خوشبینانه‌ترین‌حالت به‌تعداد انگشتان یک دست می‌رسد. اگر سانی‌مانتالیسم‌های مبتذل و عامیانه محسن مخملباف درباره مهاجران و افغانستان و... را نادیده‌بگیریم،به‌جز‌سه‌موردبا‌اغماض‌قابل‌قبول حیران، باران و چند مترمکعب عشق، سینمای ایران در بقیه موارد با حضور سه میلیون جمعیت در ایران را نادیده گرفته یا به بازنمایی مجعول و منحرفانه‌ای از آنها پرداخته است که نتیجه‌ای جز تحقیر؛ توهین و تثبیت کلیشه‌های دروغین در مورد‌مهاجران‌نداشته‌است.این‌سه‌نمونه‌بهترین نمونه‌های ساخته‌شده درباره مهاجران و افغانستانی‌ها در سینمای ایران هستند و هر سه فیلم ذکرشده در بهترین حالت چیزی جز نمایش تلخ،غمبار،ناامیدکننده‌ورنج‌آز‌مهاجران‌نداشته است؛ آدم‌های ضعیف، معمولاً شکست‌خورده، ناامید و غرق در انبوه مشکلات و... توقع بزرگی است از سینمای ایران،وقتی‌قهرمانان‌بزرگ‌وطنی، غایبان بزرگ این سینما هستند اما انتظار دروغ‌نگفتن؛ وارونه‌نشان‌ندادن،جعل‌نکردن و انحراف‌از‌سینما‌درهر‌وضعیت‌انتظارگذافی‌نیست واین‌قهرمان‌کشی‌بزرگ سینمای ایران؛ناعادالانه است. سینما و تئاتر و تلویزیون ایران به اندازه‌ای هویت بزرگ‌ترین اقلیت بزرگ تمام تاریخ ایران، مهاجران افغانستانی‌راآماج‌نهمت‌وجعل‌ووراونگی قرار داده که امروز صحبت از قهرمانی‌های آنها برایمان عجیب است و اینجا از مواردی است که آرزو می‌کنیم‌کاش سینما و تلویزیون و تئاتر ایرانی وارد میدان نمی‌شدند و نشوند. قهرمانان افغانستانی زیر نگاتیوها و امواج و روی سن‌های تئاتر در حال قربانی‌شدن هستند و این سوپه دیگری‌از‌قهرمان‌کشی‌های‌رسانه‌های‌ماست؛سوپه نادیده‌تمام‌این‌سال‌ها.انقلاب‌ایران‌در‌دهه‌چهارم استوار ایستاده است و موج آرمان‌گرایی جدید بدون بازوی رسانه‌ای و فرهنگی هنری در منطقه به‌پا خاسته است و حساب کنید که اگر بازوی فرهنگی‌ورسانه‌ای‌پشت‌این‌آرمان‌گرایان‌بدون‌مرز ایرانی ایستاده بود؛ تیری که «خمینی‌کمانگیر» پرتاب کرد حالا به‌کجا‌رسیده بود. ما قهرمان‌کشان بزرگ تاریخیم و رسانه‌های ما جامانندگان بزرگ عصر آرمان‌گرایی- «حزب...! لبنانی، فاطمیون» افغانستانی، «انصار...!»، یعنی، «حشدالشعبی» عراقی، «سازمان دانشجویان امامیه» پاکستانی، بسیجیان سوری و بحرینی... این پرچمی است که روی زمین نمی‌افتد حتی اگر رسانه‌ها و سینما و تلویزیون ایرانی، آرام در گوشه‌ای، نظاره گیر ایستاده باشند.

جایزه آینده سینمای آسیا در جشنواره توکیو برای ایران

جشنواره فیلم توکیو برندگان جوایز سی‌وچهارمین دوره خود را اعلام کرد. به گزارش ورایتی، جشنواره بین المللی فیلم توکیو۲۰۱۶ با معرفی برندگان این دوره به کار خود پایان داد. در مراسم اختتامیه این جشنواره «چهار نیمکره شمالی» ساخته حسین تهرانی، برنده جایزه آینده سینمای آسیا شد. این فیلم درباره پسر ۱۴ساله است که پس از فوت پدرش سعی دارد از خانواده‌اش حمایت کند. امیر آقایی نیز برای بازی در فیلم سینمایی «چهار دیوار» به کارگردانی بهمن قبادی جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره توکیو را به‌صورت مشترک با سه‌بازیگر مرد دیگر دریافت کرد.

جایزه «واو» فراخوان داد

جایزه ادبی «واو» فراخوان خود را برای آغاز هجدهمین دوره منتشر کرد. به گزارش جام جم، در این فراخوان از تمام نویسندگان و ناشران خواسته شده سه نسخه از رمان‌های ایرانی خود را که چاپ اول آنها در سال ۱۳۹۹ بوده، تا پایان آبان، به نشانی صندوق پستی ۵۹۷-۱۹۵۸۵ ارسال کنند. داوری مرحله اول این جایزه، با دریافت اولین اثر آغاز خواهدشد.



گفت‌وگو با امیرسجاد حسینی درباره فیلم سینمایی «دیپورت»

داستان مجاهدان در غربت



ساناز قبری

سینما

با ظهور گروه تروریستی داعش در منطقه که درواقع می‌توان از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و بی‌رحم‌ترین گروه‌های تروریستی تاریخ یاد کرد، آثار سینمایی ارزنده‌ای درباره ایرانیانی که برای مبارزه با این گروه به سوریه اعزام شده و به شهادت رسیده‌اند ساخته شد اما در این میان کمتر به نیروهای مدافع حرم افغانستانی که علیه داعش در سوریه مبارزه می‌کنند، پرداخته شده است.

از این جهت، اعلام آمادگی امیرسجاد حسینی برای ساخت فیلمی درباره مدافعان حرم افغانستانی که به سوریه اعزام شده‌اند، می‌توانست یک خبر خوشایند برای علاقه‌مندان به این مضامین باشد. «دیپورت» فرصت مغتنمی بود که طی آن با اقتباس آزاد از زندگی شهیدمصطفی صدرزاده به مسائل و مشکلات مربوط به زندگی افغانستانی‌های مدافع حرم در ایران نیز پرداخت و در این مورد استقبال مردم و منتقدان هم قرار گرفت. این فیلم که با مشارکت مرکز تخصصی فرهنگی-هنری معاونت فرهنگی سازمان بسیج مستضعفان ساخته‌شده اکنون مدتی است که در سامانه تخصصی «عمار یار» در حال اکران است. به بهانه نمایش این فیلم سراغ امیرسجاد حسینی، کارگردان رفتیم و با او درباره کم‌وکیف ساخت این فیلم سینمایی به گفت‌وگو نشستیم.

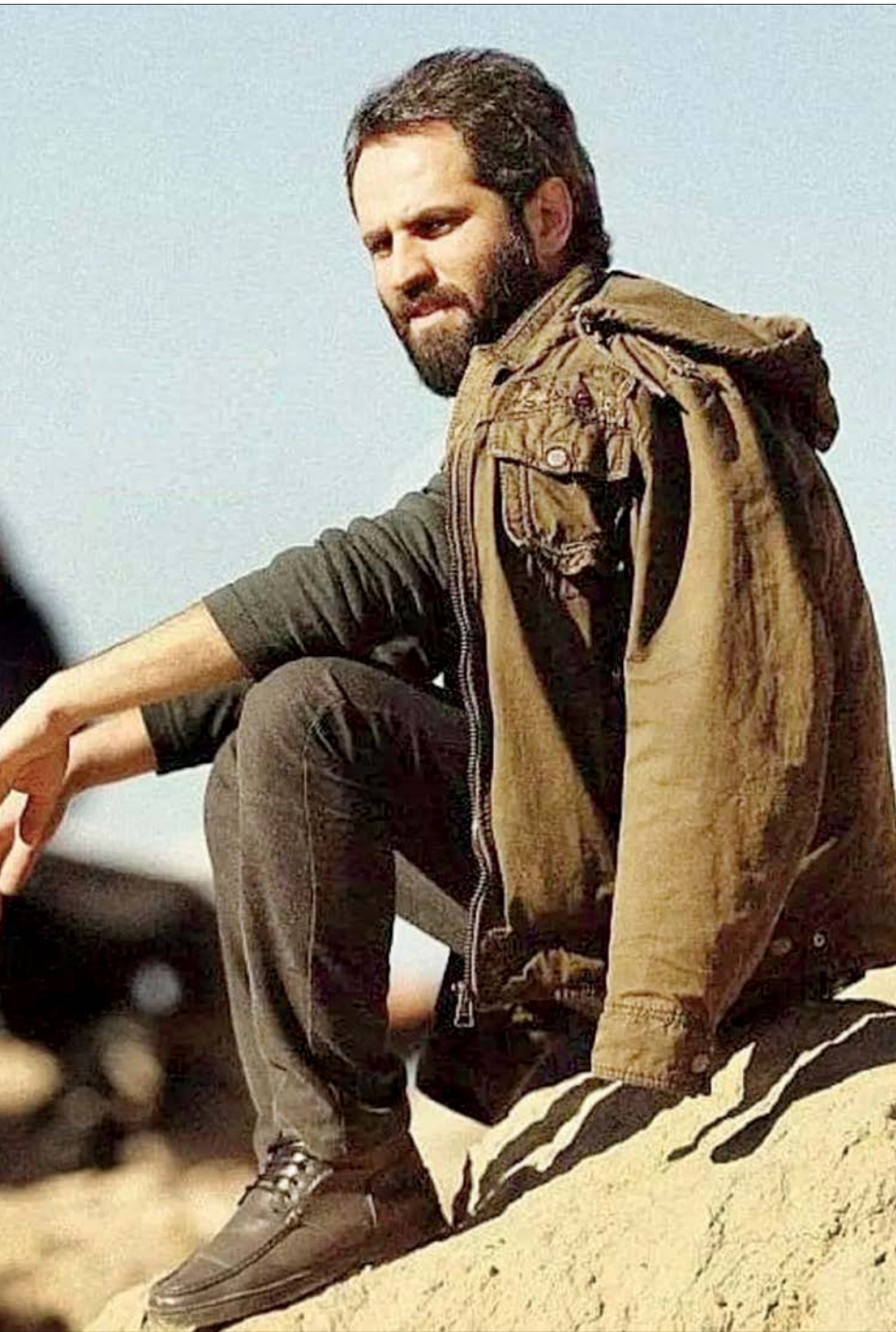
دیپورت اولین فیلمی است که در آن به تیپ فاطمیون پرداخته‌شده. برای تماشاگری که به تماشای فیلم‌های کمدی یا درام عادت کرده فیلم شما به نوعی خلاف جهت تماشاگر است. نگران پس‌زدن فیلم‌تان از طرف مخاطب نبودید؟
خیر. اتفاقاً علاقه‌مندان و دغدغه‌مندان به فیلم‌هایی بامحوریت مدافعان حرم زیاد هستند و خوشخانه بازخوردهایی هم که تا به امروز از پخش فیلم دیپورت گرفتیم خوب بوده‌است. ایده‌اش هم از خیلی وقت پیش به ذهنم رسید. هفت،هشت‌سال پیش فکر کردم مساله مهاجرغیرقانونی قابلیت پرداخت سینمایی دارد اما نمی‌دانستم از کجا و از چه زاویه‌ای باید این تم را به تصویربکشم‌تااین‌که‌به‌واسطه‌دوستی‌به‌شهیدمصطفی صدرزاده رسیدم و داستان زندگی‌اش به نظر جالب آمد؛ یک ایرانی که زبان افغانستانی یاد می‌گیرد و حتی مدارکی جعل می‌کند تا وارد لشکر فاطمیون شود. این شخصیت ایرانی می‌توانست به عنوان پلی بین من در جایگاه کارگردان و مهاجران افغان عمل کند. از اینجا بود که قصه‌ای شکل گرفت که می‌توان آن را از جهتی مایه حفظ اتحاد و همبستگی و همدلی میان مردم ایران و افغانستان دانست.

پیش از ساخت این فیلم شناختی از شخصیت شهید صدرزاده نداشتید؟

دوست صمیمی‌ای دارم که شهید صدرزاده دامادشان بود. برای ساخت این فیلم با دوستم به منزل شهید صدرزاده هم رفتم و با همسرشان صحبت کردم؛ البته ابتدا قرار بود مستندی از زندگی ایشان بسازم اما به این نتیجه رسیدم که نمی‌توانم چون تمام مستندهایی که

برگزاری مراسم یادبود آذرتاش آذرنوش

مراسم چهلمین روز درگذشت آذرتاش آذرنوش، مترجم برجسته معاصر امروز از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی واقع در کاشانک، نرسیده به سه‌راه آجودانیه، شماره ۳۱۰، سالن رسول اکرم (ص) برگزار خواهدشد. در این مراسم کاظم موسسوی بجنوردی، علی‌اشرف صادقی، حمزه ایلخانی‌زاده، احمد باقری، مرتضی کریمی‌نیا، علی بهرامیان، عنایت‌ا... فاتحی‌نژاد، سیدبابک فرزانه و فریبا افکاری سخنرانی خواهندکرد.



دیالوگ را بر زبان آورد.

نوع نگاه دیپورت به شهدای مدافع حرم چگونه است؟
از نظر بنده، مدافع حرم در وهله اول برای پاسداری و حفاظت می‌رود. در راه این پاسداری اگر شهید شود که افتخار است و اگر زنده بماند هم دوباره در این راه گام برمی‌دارد و متوقف نمی‌شود. در حق بچه‌های مدافع حرم خیلی ظلم شده. چون جریانی به‌راه‌افتاده که می‌گوید که شوخی‌های مبتذل بزرگسالی خود را کمی پاستوریزه اینها صرفاً می‌خواهند بگویند در شهادت هنوز باز است و.... نگاه من به این دوستان، نگاهی حماسی است و اگر بخوام این مساله را بازنگری کنم به همسر و فرزند

گفت‌وگو با شهرام شفيعی،نویسنده داستان بلند طنز «عشق خامه‌ای»

بچه‌ها طنز را مثل بستنی قیفی در اوج تابستان دوست دارند

فلسفه کودکی نداریم. یعنی به زاینده‌گی پدیدارشناسانه این دوره از زندگی فکر نمی‌کنیم. ما بچه‌ها را بلد نیستیم، چون نگاهی سطحی به کودکی داریم، نتیجه این می‌شود که شوخی‌های مبتذل بزرگسالی خود را کمی پاستوریزه می‌کنیم و ریاکارانه در لاف‌ها اندر زاتحول بچه‌ها می‌دهیم. **در نگاه شما ادبیات کودک و نوجوان در جهان امروز به چه تغییراتی نیاز داشته و نقش نویسندگان ما در این خصوص چیست؟**
هیچ‌کس نمی‌تواند چنین چیزی را تعیین کند، زیرا متغیرها فراوان و از کنترل هرکس خارجند. شک نیست که هر مقدار به اخلاق جهانی لطمه وارد شود به ادبیات کودک هم لطمه وارد می‌شود. زندگی تلاشی است برای تولید معنای زیستن. ادبیات و هنر، نگاه ما را برای دیدن جزئیات در این مسیر، دقیق و تیز می‌کند. از ادبیات توقع بیشتری نمی‌توان داشت. ادبیات هرگز نتوانسته جلوی خون‌ریزی و ابتذال و خودخواهی‌های بشر را بگیرد. ادبیات فقط به ما درنگ و تأملی می‌دهد که امیدواریم در صورت افزایش این‌درنگ‌وتأمل‌در همه آدمیان، لطمه کمتری به هم برنیم.

برادرهایم می‌ساختم و اجر می‌کردم. نوع نوشتنم محصول زندگی‌ام بوده و با من بزرگ‌شده. مطمئنم خودم آن را پیدا کرده‌ام و از طریق بررسی تأثیرش روی مخاطبان، آن را پخته‌تر کرده‌ام.

به نظر شما بچه‌ها وقتی داستان طنز می‌خوانند چه حسی پیدا می‌کنند؟ چه تأثیری روی آنها دارد؟
همه می‌دانیم بچه‌ها طنز را خوب درک می‌کنند و خیلی هم دوست دارند. مثل بستنی قیفی در اوج تابستان.

البته این موضوع همیشه باعث تولید کلی کار مزخرف هم می‌شود که خنده را هدف مستقیم خود می‌گیرند. اگر در طنز به خنده فکر می‌کنید، حتما می‌بازید. طنزنویس چیزهایی را پیدا می‌کند و نشان می‌دهد که بقیه می‌گویند؛ وای از دست‌تو! به چه چیزهایی دقت داری! اما واقعاً همین جوری است که تو گفتی.

علت فاصله گرفتن نویسندگان آثار طنز با کودکان و نوجوانان چیست؟
در صنعت نشر، تلویزیون‌وسینما، گاهی چیزهایی به اسم طنز و کمدی یا برنامه‌های مفرح تولید می‌شود که به‌بچه‌ها ربطی ندارد.علتش این است که ما در ایران

«عشق‌خامه‌ای» عنوان یکی از آثار شهرام شفيعی است که در انتشارات مهرک به چاپ رسیده. این کتاب طنز از زبان کودکی است به نام شروین که همراه خانواده‌اش از تهران به شهری دیگر مهاجرت می‌کنند. شروین یک خواهر و برادر دارد. پدر آنها بعد از ۲۰سال دوری از سرزمین آبا و اجدادی خود به علت تغییر شرایط زندگی این تصمیم را می‌گیرد.

نویسنده خوش ذوق کتاب، تک‌تک لحظات سفر این خانواده را از داخل هواپیما و اتوبوس گرفته تا مستقر شدن در شهر جدید، با لحنی طنازانه و جذاب توصیف می‌کند. در کل این مسیر اتفاقات ریزودرشتی برای این خانواده می‌افتد از شیرین‌کاری بچه‌ها گرفته تا خراب‌کاری‌های بزرگ‌ترها. البته تصویرسازی‌های کتاب هم طبیعتاً برای بچه‌ها جذاب بوده و در همراهی بیشترشان با داستان‌ها نقش پررنگی دارند. با شفيعی در رابطه با نگارش طنز نحوه شخصیت‌پردازی صحبت کردیم و از او پرسیدیم ادبیات کودک و نوجوان در جهان امروز به چه تغییراتی نیاز داشته و نقش نویسندگان ما در این‌باره چیست. او معتقد است هیچ‌کس نمی‌تواند چنین چیزی را تعیین کند، زیرا متغیرها فراوان و از کنترل هرکس خارجند. شک نیست که هر قدر به اخلاق جهانی لطمه وارد شود، ادبیات کودک هم به همان میزان آسیب می‌بیند. ادبیات و هنر، نگاه ما را برای دیدن جزئیات در این مسیر، دقیق و تیز می‌کند. ادبیات هرگز نتوانسته جلوی خون‌ریزی، ابتذال و خودخواهی‌های بشر را بگیرد اما به ما موقعیتی برای درنگ و تأمل می‌دهد و امیدواریم درصورت افزایش این درنگ و تأمل در همه آدمیان، لطمه کمتری به یکدیگر برنیم.

کدام یک از شخصیت‌های داستان را به خودتان نزدیک‌تر می‌بینید؟
بله. خیلی زیاد اما همان‌طور که گفتم مرا نمی‌توانید در هیچ کاراکتری پیدا کنید. پاسخ این است: همه کاراکترها و هیچ‌کدام! **بیشتر آثار شما طنز است، طنزی که در بین نویسندگان ادبیات کودک کم‌نظیر است. شاید در بین نویسندگان ایرانی آن‌هم در زمینه کودک و نوجوان، کمتر نویسنده‌ای را بتوان یافت که در آثار خود به این شکل از طنز، آن‌هم طنز انتقادی-اجتماعی استفاده کند. در این مورد خودتان توضیح دهید.**
اصلاً نمی‌دانم و علاقه‌ای ندارم بدانم جایگاهم در مقایسه با دیگران چیست. اصلاً نمی‌دانم چه نوع طنزی می‌نویسم و آن را چگونه طبقه‌بندی می‌کنند. چیزی که من می‌نویسم از اولین قصه‌هایی می‌آید که در ۹سالگی برای خواهر و

شما در نوشته‌های‌تان برای تبدیل یک شخصیت واقعی به شخصیت داستانی از چه شیوه‌ها و فنونی استفاده می‌کنید؟

راستش هیچ‌وقت یک شخصیت واقعی را به شخصیت داستانی تبدیل نکرده‌ام. فقط گاهی رنگ‌ها و مایه‌هایی را از آدم‌های دوروبرم می‌گیرم و به‌کار می‌برم. شاید روزی کاری را که گفتید بکنم اما تا امروز کارهای من بیشتر موقعیت‌محور بوده‌تا شخصیت‌محور. به همین دلیل ممکن است رنگ‌های موردعلاقه‌ام را از هر کس و هر جا بگیرم و کمی به این یا آن شخصیت بدهم. حتی پیکرنگ ممکن است بین چند شخصیت تقسیم شود.

در خلق شخصیت‌های داستان از ابعاد فردی و شخصیتی خودتان هم استفاده‌شده است؟

